



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

نقش اعتبارات قرض الحسنه در کاهش فقر در ایران

مریم کوثری^۱

چکیده :

شاخص فقر در اقتصاد کشور ها، همواره مورد توجه اقتصاد دانان و دولت ها بوده است. همانطور که اشاره شد، فقر در اقتصاد، از طریق شاخص ضریب جینی^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در اقتصاد کشور ها، این شاخص همواره از طریق اعمال سیاست های پولی و مالی مورد حمایت قرار گرفته است. از سویی دیگر، قرض الحسنه نیز می تواند به عنوان یکی از ابزار های کاهش فقر و کاهش ضریب جینی در کشور های اسلامی، به عنوان مکمل سیاست های پولی و مالی مورد استفاده قرار گیرد، ولی همواره مورد بی توجهی قرار گرفته است.

مقاله حاضر به بررسی نقش اعتبارات بانکی قرض الحسنه بر کاهش فقر در ایران پرداخته است و برای این منظور از داده های سری زمانی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲ استفاده کرده است ، مطابق با نتیجه حاصله از تحقیق، تاثیر اعتبارات اعطایی قرض الحسنه بر روی شاخص ضریب جینی، منفی بوده البته این تاثیر گذاری در سطح اطمینان ۹۵ درصد، از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد.

کلید واژگان تحقیق

تسهیلات اعطایی بانک - قرض الحسنه - فقر - شاخص ضریب جینی - ARDL

^۱کارشناس ارشد علوم اقتصادی (نویسنده مسئول مقاله)

مقدمه :

موضوع ریشه کنی فقر، در همه اعصار و در تمامی جوامع، اعم از اسلامی و غیر اسلامی، امری مهم و قابل توجه بوده و از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، زیرا بقای جوامع بستگی به سلامت و غنای جوامع داشته و فقر عاملی است که جوامع را به سقوط و انحطاط کشانده و از پیشرفت و ترقی آنها، جلوگیری می نماید. در هر جامعه ای، با توجه به نوع نگرش دینی و یا مکتبی و نظام حاکم بر آن جامعه، راهکارهایی برای از بین بردن و مبارزه با فقر به کار گرفته می شود. در جوامع اسلامی، با استعانت از قرآن کریم، احادیث پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)، دستورالعملها و راهکارهای غنی و کارآمدی، پیشنهاد و ارائه گردیده است. عمده ترین این دستورالعملها و راهکارها، که در کشور ما نیز مورد توجه خاص قرار گرفته است، عبارتند از: خمس، زکات، وقف، صدقه، انفاق و به خصوص، قرض الحسنه.

مکتب اقتصادی اسلام، با تحریم ربا و ایجاد عدالت، قرض الحسنه را به عنوان بهترین شیوه جایگزین برای ربا جهت استفاده متقاضیانی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند در نظر گرفته است. ثروتمندان با در نظر گرفتن پاداش معنوی قرض الحسنه، داوطلبانه اقدام به انجام آن می کنند. در این شیوه، امکان در اختیار قرار گرفتن امکانات مالی برای استفاده کنندگان از قرض الحسنه، که عمدتاً گروه های کم درآمد جامعه را تشکیل می دهند، فراهم می گردد.

همچنین، در دو دهه اخیر، در بسیاری از کشورها، اعتبارات قرض الحسنه، به عنوان راهکاری مناسب برای ایجاد فرصت های شغلی جدید، به ویژه فعالیت های خوداشتغالی و جهت مقابله با فقر و توانمندسازی افراد در مناطق کم درآمد مطرح شده است و برخی کشورها، در این زمینه، به توفیق های چشمگیری دست یافته اند. چنین تجربه ای در کشورهای گوناگون، بیانگر اثر این نوع اعتبارات و تسهیلات بر کاهش نابرابری ها و فقر از طریق ایجاد فرصت های شغلی جدید است.

به نظر می رسد، در کشور اسلامی ما، تاکنون در خصوص تاثیر اعتبارات قرض الحسنه بر کاهش فقر، تحقیقات جامع و دقیقی به عمل نیامده است و این خلاء، نیاز به تحقیق در این زمینه را کاملاً ضروری می سازد.

چارچوب نظری :

تحقق رفاه عمومی و برقراری عدالت اقتصادی از اهداف نظام اقتصادی اسلام می باشد و بدون تردید ترسیم و اجرای این نظام، موجب زدودن پدیده شوم فقر از سطح جامعه می شود. یکی از گام های اساسی برای تحقق این مقصود، تغییر نظام بانکی و حذف بهره از پیکره آن و استفاده از عقود اسلامی قابل تطبیق با نظام بانکداری است. در این قسمت، عقود سیزده گانه تعریف شده و ویژگی آنها به اختصار بیان می شود.

به طور کلی، عقود اسلامی در سیستم بانکی به چهار گروه تقسیم می شوند که عبارتند از:

قرض الحسنه، عقود مبادله ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین، جعاله، ضمان)، عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات) و سرمایه گذاری مستقیم. سرمایه گذاری مستقیم، از نظر آثار و نتایج، شبیه قراردادهای مشارکتی است و گاهی جزء این دسته قرار می گیرد^۲.

گاهی نیز دسته بندی این عقود به این صورت است: عقد غیرانتفاعی (قرض الحسنه)، عقود انتفاعی با سود معین (عقود مبادله ای) و عقود انتفاعی با سود انتظاری (عقود مشارکتی و سرمایه گذاری مستقیم).

قرض الحسنه

قرض الحسنه، عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (قرض دهنده)، مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض گیرنده) تملیک می کند که قرض گیرنده مثل و یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به قرض دهنده رد نماید. قرض الحسنه عقدی لازم است و از این رو مقروض نمی تواند قبل از انقضای مدت، طلب خود را مطالبه نماید. از نظر مدت زمان، قرارداد قرض الحسنه به طور متوسط از سلف و فروش اقساطی که قراردادهای کوتاه مدت هستند زمان بیشتری می برد و از مشارکت مدنی و جعاله که عقود بلندمدت هستند کوتاه تر است^۳.

موارد اعطاء (کاربرد)

بانک ها در موارد ذیل مبادرت به پرداخت قرض الحسنه می نمایند:

الف) به شرکت های تعاونی تولیدی و خدماتی (غیر از بازرگانی و معدنی) که فعالیت آنها اشتغال زا و برای تأمین مایحتاج ضروری جامعه است^۴.

ب) به افرادی که مستقیماً به امر کشاورزی و دامپروری مبادرت می نمایند و همچنین به کارگاه ها و واحدهای تولیدی متعلق به افراد یا شرکت ها، به منظور کمک به امر افزایش تولید در موارد ذیل:

1- جلوگیری از توقف کارگاه ها و واحدهای تولیدی موجود

2- راه اندازی کارگاه ها و واحدهای تولیدی راکد

3- ایجاد و توسعه کارگاهها و واحدهای تولیدی کوچک در شهرهای کوچک و روستاها.

ج) برای رفع احتیاجات افراد مثل، کمک برای ایجاد مسکن در روستاها، کمک هزینه تحصیل، درمان بیماری، تهیه جهیزیه، هزینه ازدواج و

در واقع اعطای قرض الحسنه می تواند برای آن دسته افراد از جامعه که بضاعت کافی برای تأمین نیازهای عمومی و ضروری خود ندارند، قدرت مالی نسبی ایجاد نماید^۵.

^۸- طبیبیان، «مجموعه مقالات و سخنرانی های شانزدهمین سمینار بانکداری اسلامی»

^۹- مجموعه مقالات و سخنرانی های دهمین سمینار بانکداری اسلامی، ص 135

10- عباس موسویان، «بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل» ص 51

11- هدایتی، «عملیات بانکی داخلی- 2»، ص 69

قرض الحسنه و متغیرهای مهم اقتصادی

تشریح و تأثیر نهاد قرض الحسنه، بر متغیرهای مهم اقتصادی، به وضوح اهمیت آن را بیان خواهد کرد. از این رو این قسمت از نوشتار، به اختصار به بررسی نقش قرض الحسنه بر مصرف، پس‌انداز، خلق پول و سایر متغیرهای اقتصادی اختصاص یافته است.

قرض الحسنه و مصرف

عوامل متعددی بر مصرف مؤثرند که مهم‌ترین آنها، درآمد قابل تصرف جاری، ثروت، درآمد دائمی، توزیع درآمد، نرخ بهره، سطح قیمت‌ها، انتظارات، تسهیل اعتبارات مصرفی و... می‌باشند. البته درآمد قابل تصرف جاری، ثروت، درآمد دائمی، توزیع مناسب درآمدها و تسهیل اعتبارات مصرفی، رابطه مستقیم و نرخ بهره و سطح قیمت‌ها، رابطه معکوس با مصرف دارند؛ بنابراین تأثیر مثبت (یا منفی) قرض الحسنه بر عوامل نوع اول، موجب افزایش (یا کاهش) مصرف و اثر مستقیم (یا معکوس) آن بر عوامل نوع دوم، موجب کاهش (یا افزایش) مصرف خواهد شد.

در جامعه اسلامی، از آنجایی که فرد مسلمان، قرض گرفتن را مکروه می‌داند و تنها در صورت نیاز، متقاضی می‌شود، می‌توان انتظار داشت که با فرض ثبات سایر شرایط، پس از دریافت قرض الحسنه، مصرف جاری او بطور مقطعی افزایش یابد. ولی چون باید وام مزبور را به صورت اقساط، در دوره‌های بعد بازپرداخت نماید و در واقع بخشی از درآمدهای دوره‌های بعد را، به بازپرداخت وام اختصاص دهد، انتظار می‌رود، میزان مصرف او در ماههای آینده کاهش یابد و در مجموع، مصرف حال و آینده، به واسطه قرض الحسنه تغییر نکند. البته این استنتاج، در صورتی صحیح است که، وام گیرنده، وادار به تلاش بیشتر برای کسب درآمد بالاتر در دوره‌های بعد نگردد. بنابراین، اگر با تلاش بیشتر یا هر طریق دیگر، گیرندگان وام بتوانند درآمد خود را در دوره‌های بعد افزایش دهند و یا وجوه مزبور را در امور تولیدی و کسب سود به کارگیرند، انتظار می‌رود که وام‌های قرض الحسنه، افزایش مصرف را در پی داشته باشد.

قرض الحسنه و پس‌انداز

پس‌انداز، در واقع، ترجیح فایده نهایی مصرف و قدرت خرید آینده به حال است. بنابراین، پیش‌بینی افراد از آینده و در واقع میزان بازدهی پس‌انداز در آینده، بر این رفتار بسیار مؤثر است. اگر چه، در علم اقتصاد متعارف، باز دهی مادی، مدّ نظر قرار می‌گیرد، اما در جامعه اسلامی و در رفتار فرد مسلمان، بازدهی معنوی و اخروی می‌تواند، از عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها باشد.

فرد مسلمان، درآمد قابل تصرف را به مصرف حال (مصرف شخصی، صدقات، انفاقات و...) و پس‌انداز تقسیم می‌کند و چون قرض ربوی حرام است، پس‌انداز را نیز به دو قسم می‌کند. الف: قرض الحسنه (پس‌انداز در مؤسسه‌های قرض الحسنه و...) ب: سرمایه گذاری در مشارکت و... برای کسب سود. از آنجا که ثواب زیادی برای قرض الحسنه در متون اسلامی ذکر شده است، انتظار اختصاص بخشی از پس‌انداز به این عمل پسندیده، خلاف واقع نیست. اگر وام گیرنده، این وجوه را در سرمایه گذاری و مشارکت در تولید، به کاراندازد یا آن را صرف خرید کالاهای بادوام نماید، از پس‌انداز کل کاسته نمی‌شود. ولی اگر آن را در خرید کالاهای مصرفی بی‌دوام هزینه کند، از پس‌انداز کل، به نفع مصرف کل جامعه کاسته می‌شود.

همچنین، اگر صاحبان وجوه، در مراکز متکفل قرض الحسنه پس‌انداز نمایند، در صورتی که این تسهیلات صرفاً برای امور تولید به متقاضیان، قرض داده شود، میزان پس‌انداز کل جامعه تغییر نمی‌کند. ولی از آنجا که بخشی از این وجوه، به متقاضیانی

اختصاص می‌یابد که نیاز مصرفی دارند، می‌توان نتیجه گرفت که، قرض‌الحسنه، از میزان پس‌انداز کل، به نفع مصرف کل، می‌کاهد.

قرض‌الحسنه و خلق پول

سپرده دیداری، از سپرده‌های پس‌انداز و مدت دار، دارای قدرت نقدینگی بسیار بیشتری است و به همین دلیل در تعریف M_1 آن را لحاظ می‌کنند و در عرض سکه‌ها و اسکناس قرار می‌دهند، چون منشأ انتشار آن، اراده صاحب حساب می‌باشد. بنابراین، هرگاه بانکها یا مؤسسات اعتباری، اقدام به قبول سپرده جاری و افتتاح حساب جاری نمایند، قادر خواهند بود که پول تحریری خلق کنند.

البته به دلیل آن که، از نظر قانونی، صندوقهای قرض‌الحسنه و سایر مؤسسات اعتباری، نمی‌توانند حساب جاری افتتاح نمایند، ممکن است گفته شود، از جهت نظری، با در نظر گرفتن فرضهای خاص و در عمل، در صندوقهای قرض‌الحسنه موجود، سپرده دیداری یا حساب جاری، نمی‌تواند نقش عمده‌ای در فعالیتهای این نهاد داشته باشد.

اما واقعیت آن است که، علی‌رغم آن که، بر طبق قوانین موجود، افتتاح حساب جاری و انتشار چک توسط صندوقهای قرض‌الحسنه ممنوع است، این مراکز حسابهایی را به نام حساب جاری افتتاح می‌نمایند و به صاحبان این گونه حسابها، دسته چکهایی را ارائه می‌دهند که، از نظر قانون، «حواله» محسوب می‌شود و قوانین مربوط به چک بر آن جاری نمی‌شود. ولی در معاملات روزمره، فرق قابل ملاحظه‌ای بین این حواله‌ها و چکها لحاظ نمی‌شود. علاوه بر آن، بخشی از فعالیتهای صندوقهای قرض‌الحسنه و سپرده‌های موجود در آن، به این حسابها مربوط می‌شود، بطوری که استقراء ناقص نشان می‌دهد که در صندوقهای فعال، بین 15 تا 30 درصد موجودی، به حسابهای جاری اختصاص دارد. بنابراین می‌توان گفت: مراکز متکفل قرض‌الحسنه، در خلق پول تحریری، نقش قابل ملاحظه‌ای دارند و به دلیل آن که کاملاً مستقل عمل کرده و از قوانین مربوط به بانکها تبعیت نمی‌کنند، بر این فعالیتهای، هیچ گونه نظارت مناسبی از طرف حکومت اعمال نمی‌شود. طبیعی است، اعمال سیاستهای پولی، بدون توجه به فعالیتهای این مراکز، نمی‌تواند از کارایی لازم برخوردار باشد.

قرض‌الحسنه و سایر متغیرها: با عنایت به ارتباط وثیق بین متغیرهای اقتصادی، با تعمق و تدبیر می‌توان به تأثیر قرض‌الحسنه، بر سایر متغیرهای مهم اقتصادی نیز پی برد. مثلاً در مورد رابطه قرض‌الحسنه با اشتغال و تورم می‌توان چنین گفت: همان طوری که در صفحات گذشته ذکر شد، قرض‌الحسنه را می‌توان به مصرفی و تولیدی تقسیم کرد. بنابراین، اگر این وجوه صرف خرید کالاهای مصرفی ضروری شود، تقاضا برای کالاهای ضروری افزایش می‌یابد و اگر عرضه این کالاها با کشش باشد، مازاد تقاضا، موجب افزایش قیمت و بلافاصله، باعث افزایش تقاضا برای کار و در نتیجه افزایش اشتغال، افزایش تولید و بازگشت قیمت به میزان اولیه می‌شود. ولی اگر عرضه این نوع کالاها، بی کشش باشد، تنها اثر قرض‌الحسنه، افزایش قیمت کالاهای مزبور و تورم خواهد بود. البته، حکومت اسلامی، موظف است که، همراه با گسترش نهاد قرض‌الحسنه، زمینه‌ای فراهم آورد، تا همگام با افزایش تقاضا برای کالاهای مزبور، تولید آنها نیز افزایش یابد.

در قرضهای تولیدی نیز، چون بدون واسطه، وجوه وام گرفته شده به تأسیس یا گسترش نهاد تولیدی اختصاص می‌یابد، می‌توان انتظار داشت که، اشتغال افزایش یابد. در این مورد هم، دولت باید شرایطی را ایجاد کند تا این وجوه باعث نشود که در موسسه‌های تولیدی، سرمایه جایگزین کار شود. البته چون، قرض‌الحسنه‌های تولیدی، به مراکز تولیدی کوچک و نیازهای ضروری آنها اختصاص می‌یابد، انتظار افزایش اشتغال به واسطه آن، بیجا نیست.

در مورد قرض‌الحسنه و تولید و تأمین نیازهای اساسی نیز، می‌توان گفت: با توجه به این که، فرد مسلمان، موقعی متقاضی وام می‌شود که نیاز ضروری به آن داشته باشد، قرض‌الحسنه موجب می‌شود تا تقاضا برای کالاهای اساسی افزایش یابد و با افزایش

تقاضا و سود آورتر شدن تولید این نوع کالاها، انتظار می‌رود، الگوی تولید کشور، به سمت کالاهای اساسی جریان یابد و تأمین نیازهای اساسی، برای اقشار نیازمند جامعه، آسان‌تر شود که همین امر، زمینه را برای توسعه پایدار متناسب با جوامع توسعه نیافته، بویژه جوامع اسلامی، فراهم می‌کند.

مطالعات خارجی

- بلانک و بلیندر^۶ (1986)، در بررسی آثار شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد و فقر در ایالات متحده آمریکا، به این نتیجه رسیدند که، بیکاری، اثر افزایشی و تورم، اثر کاهش‌ی بر توزیع درآمد داشته است (تنها در بیستک دوم معنادار بوده است). در مقابل، افزایش تورم، باعث افزایش نرخ فقر شده است. اگرچه تورم، منجر به کاهش نابرابری درآمد شده، ولی اثر افزایشی بر فقر داشته است.

- نولان (1988)، با استفاده از اطلاعات سری زمانی توزیع درآمد، بیکاری، تورم و یک روند خطی، به بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد انگلستان در سالهای 1949 تا 1979 پرداخت و به همان نتایجی رسید که بلیندر و ایساکس در سال 1978 برای اقتصاد آمریکا رسیده بودند.

- بلیجر و گایریو^۷ (1990)، در یک مطالعه تجربی، به منظور آزمون اثر سیاست‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد، از داده‌های سری زمانی فیلیپین، در سالهای 1970 تا 1986 استفاده کردند. نتایج برآورد معادلات همزمان نشان داد که: هزینه‌های دولتی، توزیع درآمد را نابرابرتر می‌کند، آنها، این نتیجه را، به ساختار و ماهیت هزینه‌های دولتی در دهه 1980 مربوط ساختند. استدلال آنها بر این پایه بود که، ترکیب هزینه‌های دولتی، به نحوی بوده است که، سرمایه‌گذاریهای دولت در پروژه‌های صنعتی برای ثروتمندان، یک منبع درآمدی پرسود ایجاد کرده است. از طرف دیگر، فقرا، از نظام خدمات اجتماعی^۸ بهره‌مند نشده‌اند، علاوه بر

این، هزینه‌های دولتی، بطور عمده، از مالیات‌بندی نزولی^۹ تأمین مالی شده و عمدتاً بر مالیات غیر مستقیم^{۱۰} تکیه داشته است. بیکاری و تورم، در طول دوره مورد مطالعه، نابرابری در توزیع درآمد کشور فیلیپین را افزایش داده است. در حالیکه، عایدات بهره‌وری^{۱۱}، نرخ بهره واقعی^{۱۲} و نرخ ارز واقعی^{۱۳}، توزیع درآمد را بهبود بخشیده است.

- الیسینا و رودریک^{۱۴} (1994)، الگویی نظری ارائه دادند که، نابرابری درآمدی، بر رشد اثر منفی دارد: نابرابری درآمد (یا ثروت)، باعث می‌شود، نرخ مالیات، بالاتر از مقدار بهینه‌اش وضع شود (فشار رای دهندگان میانه^{۱۵} برای ملاحظات توزیعی در زمانی که نابرابری در درجه بالایی قرار دارد، موجب می‌شود که، دولت نرخ مالیاتی را بالاتر از نرخ بهینه‌اش تعیین کند). نرخ مالیات بالاتر از نرخ بهینه، موجب کاهش سرمایه‌گذاری و رشد می‌شود.

⁶ Blank and Bilnder

⁷ Blejer and Guerrero

⁸ Social Services System

⁹ Regressive Taxation

¹⁰ Indirect Taxes

¹¹ Productivity Gains

¹² Real Interest Rate

¹³ Real Exchange Rate

¹⁴ Alesina and Rodrik

¹⁵ Median Voter

- الیسینا و پیروتی^{۱۶} (1996)، با استفاده از شواهد تجربی نشان دادند که، نابرابری با رشد، از مجراهای زیر رابطه منفی داشته است: نابرابری درآمد، منجر به تقویت نارضایتی اجتماعی^{۱۷} و افزایش بی ثباتی اجتماعی-سیاسی^{۱۸} می شود؛ بی ثباتی اجتماعی-سیاسی، با ایجاد عدم اطمینان در محیط اقتصادی-سیاسی^{۱۹}، موجب کاهش سرمایه گذاری و رشد می شود .

- برونو، راولیون و اسکوار^{۲۰} (1996)، نشان دادند که، توزیع ابتدایی دارایی ها و درآمد، رشد را تحت تاثیر قرار می دهد. کشورهایی با نابرابری بالا، رشد پایین داشته اند، در مقابل، کشورهایی با نابرابری پایین، نرخ رشد بالاتری داشته اند و کاهش فقر در مراحل رشد، سریعتر بوده است.

برخی از مطالعات، برای تشخیص گروههای فقیر، از کشش درآمد کالاهای مصرفی استفاده کرده اند. گروههای کم درآمد، دارای کشش درآمدی نزدیک به صفر یا منفی هستند، کشش درآمدی ملایم، مربوط به طبقات میانی درآمد و گروه پر درآمد، شامل خانوارهایی میشود که کشش درآمدی بالا دارند. نتایج مطالعاتی هم که از این روش و داده های بودجه ی خانوار استفاده کرده اند، نشان میدهند که، شاخص قیمت، برای گروههای با کشش درآمدی پایین یا منفی، به طور معنی داری از شاخص قیمت لاسپیگز متفاوت است و تورم برای این گروهها بالاتر است (شنایدر، 2003).

- ولسچو^{۲۱} (2004)، با استفاده از سهم بیستک های درآمدی قبل از مالیات و پرداختهای انتقالی و سهم بیستک های درآمدی بعد از مالیات و پرداختهای انتقالی، به بررسی نابرابری درآمد در 14 کشور OECD در دوره 1967-2000 پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان داد که، بین درآمد سرانه و توزیع درآمد قابل تصرف، رابطه وجود نداشته ولی ارتباط درآمد سرانه و نابرابری بازار، به شکل U بوده است.

- سان و کاکوانی (2006)، با استفاده از این تکنیک، برای طبقه ای از شاخصهای فقر، نشان دادند، تغییراتی که از ناحیه ی تغییر قیمتهای نسبی حاصل میشود، از طریق تغییر در توزیع درآمدها، فقر را تحت تاثیر قرار میدهد. حال آنکه، تغییر سطح عمومی قیمتها، از کانال تغییر درآمد حقیقی، فقر را متأثر می کند. کاربرد این روش، در اقتصاد برزیل، در دوره ی 1999 تا 2006 نشان داد که، شوک قیمتها، در ابتدای دوره، به زیان گروههای فقیر بوده است ولی در دو سال آخر توزیع، به نفع این گروه، بهبود یافته است.

- بایلر (2007)، با استفاده از مدل زیر، به بررسی رابطه تورم بر نابرابری پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که، سطح توسعه، اشتغال، باز توزیع مالی^{۲۲} و ثبات قیمتها، نابرابری درآمد را بهبود بخشیده است. اثر ثبات قیمتها بر توزیع درآمد، بصورت غیر خطی بوده است. کاهش تورم از سطح بسیار بالا، اثر معناداری در کاهش نابرابری درآمدی داشته است، در صورتیکه، در سطوح خیلی پایین تورم، کاهش تورم، اثر ناچیزی بر کاهش ضریب جینی داشته است.

- گالی و هایون (2007)، از دو دیدگاه نظری و تجربی به تشریح اثر سیاست پولی و تورم بر نابرابری اقتصادی در کشورهای در حال توسعه پرداختند. از دیدگاه نظری دریافتند که، اجرای سیاستهای پولی انقباضی در کشورهایی که تورم بالا دارند، در کاهش نابرابری موثر واقع شده است. از سوی دیگر، کاهش تورم در اقتصادهایی با تورم پایین، موجب افزایش نابرابری شده باشد. از مدل

¹⁶ Alesina and Perotti

¹⁷ Fueling Social Discontent

¹⁸ Fueling Social Discontent

¹⁹ Politico-economic

²⁰ Bruno, Ravallion and Squire

²¹ Volscho

²² Fiscal Redistribution

$g_t = \beta_0 + \beta_1\pi_t + \beta_2\pi_t^2 + \beta_3y_t + u_t$ برای آزمون این فرضیه استفاده شده است؛ که در آن g ، ضریب جینی یا سهم هر یک از بیستک های درآمدی است. π ، نرخ بلند مدت تورم (CPI) و y ، رشد واقعی بلند مدت GDP است. u ، نیز جمله خطا بوده است. مطالعه تجربی آنها، با اطلاعات سری زمانی سالهای 1966 تا 1999 ایالات متحده آمریکا و اطلاعات پانزده کشور عضو OECD، این فرضیه را تایید می کند.

- تحقیقاتی توسط وینبرگ، 2008 انجام شد که، برای به روز کردن خط فقر رسمی در امریکا انجام شده است، نشان داد که، وقتی از شاخص قیمت لاسپیرز، برای به روز کردن آستانه ی فقر استفاده میشود، این آستانه 92 درصد، آستانه ای است که، انجمن مشاوران ملی امریکا، با استفاده از شاخص قیمت گروه فقیر، طی دوره 2007-1963 محاسبه کرده است.

مطالعات داخلی

- ارسلان بد(1383)، توزیع درآمد را، با استفاده از برخی شاخص‌های مربوطه، از جمله دهک‌ها، ضریب جینی و نسبت درآمد خانوارهای شهری به روستایی، برای سال‌های مختلف محاسبه و روند تغییرات آن را با گذشت زمان مشخص کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ضریب جینی توزیع درآمد در ایران، در دهه 1340، نزدیک به 0/45 بوده و در سال‌های اولیه دوره 1350 تا 1357 افزایش یافته است. سپس، تا اواسط دهه 1370، با فراز و فرودهایی، روندی نزولی و در سال‌های اخیر، روندی صعودی به خود گرفته است.

- محمودی(1383)، در پژوهشی، به تحولات توزیع درآمد در ایران می‌پردازد. براساس نتایج، شکل توزیع درآمد در ایران، چوله به راست است و بین سطوح درآمد مناطق شهری و روستایی، فاصله زیادی وجود دارد. درجه نابرابری درآمدی در ایران، نسبتاً بالا بوده و به اعتقاد او، سیاست‌های توزیعی پس از انقلاب، به دلایل مختلف، از جمله، تجدید ساختار عجلانه پس از انقلاب، جنگ ایران و عراق (67-1359)، تحریم اقتصادی (از 1360 به بعد) و سیاست‌های تعدیل اقتصادی (از 1368 به بعد)، چندان موفقیت‌آمیز نبوده است.

- محسن شیرازی(1384)، با استفاده از یک مدل بسته داده- ستانده، به اثرهای تغییرات در توزیع درآمد، بر روی متغیرهای کلان، چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی، پرداخته است. نتایج مدل، نشانگر بهتر شدن توزیع درآمد است که، عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد، سبب افزایش تولید محصولات ضروری‌تر و کاربردی‌تر می‌شود و از طرف دیگر، تولید محصولات غیر ضروری و سرمایه برتر کاهش می‌یابد. در مجموع، با بهتر شدن توزیع درآمد، ستانده کل اقتصاد و ارزش افزوده کل کاهش می‌یابد.

- ابو نوری و خوشکار(1385)، با استفاده از اطلاعات مقطعی استان‌های کشور، توزیع درآمد، شاخص فقر، ضریب جینی و سهم بیستک‌های درآمدی را محاسبه نمودند. براساس نتایج تحقیق، نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص استانی، تورم و هزینه‌های دولتی بر نابرابری، اثر افزایشی داشته است.

- پروین(1385)، در مقاله خود، به برخی از زمینه‌های تأثیر متقابل رشد و توزیع درآمد در اقتصاد ایران، با استفاده از اطلاعات مرکز آمار ایران پرداخته است و ضمن اشاره به برخی از شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد و با توجه به محدودیت‌های آماری نشان داده که، وجود درآمدهای نفتی، این امکان را در اقتصاد ایران فراهم کرده است که، فرایند توسعه، بدون توجه به زمینه‌های نابرابری توزیع درآمد و پیامدهای آن شکل بگیرد؛ در حالی که، توزیع نابرابری درآمد، با ایجاد محدودیت در ساختار کیفی و کمی بازار، بر دوگانگی اقتصاد تأکید می‌کند.

- درویشی(1385)، در بررسی «اثر نابرابری اقتصادی بخشی بر توزیع درآمد در ایران، با استفاده از اطلاعات مرکز آمار ایران، توزیع درآمد در ایران را، با استفاده از ضریب جینی پارامتریکی، به عنوان معیار اندازه‌گیری، طی سال‌های 1383-1350، محاسبه نموده و میانگین ضریب را برای مناطق شهری 84/0 و برای مناطق روستایی 54/0 به دست آورده است. جمع‌بندی وی، بیانگر آن است

که، اثر نابرابری بخش صنعت شهری بر نابرابری در مناطق شهری و اثر نابرابری بخش کشاورزی بر نابرابری در مناطق روستایی، از سایر بخش‌ها بیشتر می‌باشد.

- پروین و زیدی (1386)، با استفاده از شبیه‌سازی سیاست‌ها، با یک مدل کلان‌سنگی، اثرات سیاست‌های تعدیل بر نابرابری را بررسی کرده‌اند و نتایج زیر را به دست آورده‌اند: اجرای سیاست‌های جاری در مقایسه با اهداف برنامه، تأثیر کمتری بر نابرابری دارد، درحالی‌که سیاست‌های تعدیل، باعث افزایش نابرابری در جامعه شده است. بیشترین نابرابری ایجادشده، مربوط به نرخ ارز و کمترین نابرابری ایجادشده مربوط به افزایش مخارج اسمی دولت است. البته، تأخیر در اجرای سیاست‌های تعدیل، در مقایسه با اجرای اهداف برنامه، باعث افزایش کمتر نابرابری درآمد می‌گردد. دلیل این امر، ادامه اعمال سیاست‌های حمایتی دولت و عدم تغییر نرخ ارز است.

- داوودی و براتی (1386)، در پژوهش خود، با استفاده از پیوند یک مدل اقتصاد کلان‌سنگی با یک شبیه‌ساز خرد، به بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران می‌پردازند. یافته‌های محققین نشان می‌دهد، اجرای سیاست‌های انقباضی پولی، در عین حال که می‌تواند جهت کاهش نابرابری عمل کند، می‌تواند رشد اقتصادی را نیز کند نماید، در حالی‌که، اجرای سیاست‌های انبساطی مالی، بدون مشکل گفته شده، به کاهش نابرابری درآمد می‌انجامد. در مورد سیاست‌های ارزی نیز، افزایش نرخ ارز در رژیم ارزی شناور، باعث افزایش نابرابری می‌شود.

- مسعود نیلی (1387)، در بررسی فرضیه کوزنتس در ایران، به این نتیجه دست می‌یابد که، رشد و توزیع درآمد، با جهت‌گیری علی دوطرفه، حرکتی هم‌جهت دارند. رشد، باعث بهبود توزیع درآمد می‌گردد، ضمن آنکه بیکاری و تورم، وضعیت توزیع درآمد را نامطلوب‌تر می‌گرداند. از سوی دیگر، بدتر شدن توزیع درآمد، کندی رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. در این مقاله نشان داده می‌شود که، حلقه واسط بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی، مخارج دولت است. نامطلوب شدن توزیع درآمد، افزایش مخارج دولت را در پی دارد و افزایش مخارج دولت، موجب کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. نتیجه سیاست‌گذاری این مقاله آن است که، فراهم آوردن شرایط رشد پایدار اقتصادی، که ضروری‌ترین اقدام در جهت کنترل مشکل انفجار بیکاری است، نه تنها برای توزیع درآمدها زیان‌آور نیست، بلکه موجب بهبود آن نیز می‌گردد.

- ابونوری (1388)، با استفاده از اطلاعات مقطعی بین کشوری، به برآورد اثر تورم و بیکاری، بر توزیع درآمد پرداخته است. وی، نابرابری را، در بیست‌کها خلاصه نمود. نتایج مطالعه وی، حاکی از آن است که، تورم باعث افزایش سهم چهار بیستک اول درآمدی و کاهش سهم بیستک پنجم شده است. بیکاری، باعث کاهش سهم دو بیستک اول درآمدی و افزایش سهم درآمدی شست درصد بالا شده است.

- جرجرزاده و اقبالی (1388)، در مطالعه‌ای، وضعیت توزیع درآمد را، طی سال‌های 1386-1347 بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که، سرانه تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، درآمدهای مالیاتی و مخارج سرمایه‌ای، اثر مثبت بر توزیع درآمد داشته‌اند، درحالی‌که تورم، بیکاری، درآمدهای نفتی و مخارج جاری دولت، اثر منفی بر توزیع درآمد داشته و وضعیت را بدتر کرده‌اند.

برآورد مدل

در مقاله حاضر، الگوی برآورد، با توجه به مقاله پایه فریدول ایسلام^{۲۳}(2011) به صورت زیر است :

$$GINI_t = \alpha_0 + \alpha_1GH_t + \alpha_2GDP_t + \alpha_3M2_t + \varepsilon_t$$

داده های تحقیق، به صورت سری زمانی و در بین سالهای 1363 تا 1392 در ایران می باشد.برای استخراج داده، از ترازنامه بانک مرکزی ایران استفاده شده است.

در جدول زیر، با نماد متغیرها در تحقیق آشنا می شویم :

جدول 1: معرفی متغیرهای مورد استفاده تحقیق

ردیف	نام متغیر	تعریف متغیر
1	GINI	شاخص ضریب جینی
2	GDP	تولید ناخالص داخلی
3	GH	اعتبارات اعطایی بانکها و موسسات اعتباری در قالب قرض الحسنه
4	M2	حجم نقدینگی

مراحل تخمین مدل اقتصاد سنجی و تجزیه و تحلیل داده ها به شرح زیر می باشد:

بررسی پایایی و آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون

پایایی یک سنجه، ثبات و سازگاری مفهوم مورد سنجش را نشان می‌دهد و به ارزیابی درستی و خوب بودن یا برازش یک سنجه کمک می‌کند. توانایی یک سنجه، برای حفظ ثبات در طی زمان، شاخصی از ثبات و آسیب‌پذیری کم آن در برابر تغییرات است. از آن‌جا که اغلب متغیرهای سری زمانی اقتصاد کلان، ناپایا و دارای یک روند تصادفی هستند، در این پایان‌نامه، ابتدا وضعیت ناپایایی متغیرها مورد آزمون قرار می‌گیرد. در واقع، در صورت وجود ناپایایی و روند تصادفی در متغیرها، نتایج حاصل از روش‌های اقتصادسنجی، که با استفاده از این سری‌های زمانی ناپایا صورت می‌پذیرد، می‌تواند منجر به برآورد و تفسیرهای نادرست گردد و

²³ FARIDUL ISLAM (2011) : “FINANCIAL DEVELOPMENT AND INCOME INEQUALITY IN PAKISTAN: AN APPLICATION OF ARDL APPROACH” JOURNAL OF ECONOMIC DEVELOPMENT 35 Volume 36, Number 1, March 2011

از این رو این نتایج غیرمعتبر است. لازم به ذکر است که معمولاً، به وسیله تفاضل‌گیری می‌توان، متغیرهای ناپایا را به پایا تبدیل کرد، هرچند که گاهی اوقات لازم است، برای رسیدن به متغیرهای پایا، بیش از یک‌بار اقدام به تفاضل‌گیری نمود.

متداول‌ترین روش، برای آزمون ایستایی یک متغیر، آزمون ریشه واحد دیکی فولر است. اگر یک سری زمانی نظیر Y_t را در نظر گرفته و معادله زیر برآورد شود، آزمون ریشه واحد فرضیه $\delta_j = 0$ را در مقابل $\delta_j \neq 0$ ، آزمون می‌کند:

$$\Delta y_t = \beta_1 + \beta_2 t + \delta y_{t-1} + \sum_{i=1}^m \Delta y_{t-i} + \epsilon_t$$

که در آن ϵ_t ، جمله خطای تصادفی با میانگین صفر و واریانس δ^2 ناهمبسته است. در حالتی که $m=0$ است، آزمون مورد نظر را دیکی فولر و در غیر این صورت، دیکی فولر تعمیم یافته می‌گویند، به طوری که m برای به وجود آمدن پسماندهای نوفه سفید به کار می‌رود.

آزمون فیلیپس پرون

با توجه به انتقادهای پرون از روش آزمون ریشه واحد دیکی فولر، در زمانی که شکست ساختاری در سری‌های زمانی وجود دارد، بررسی شکست ساختاری و آزمون ریشه واحد پرون، ضروری است. وجود شکست ساختاری، با توجه به تحولات اقتصادی ایران، در اوایل انقلاب و با توجه به تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تغییرات شگرف که در متغیرهای اقتصاد کلان کشور ایجاد نمود، قابل دفاع است. در این شرایط، نتایج آزمون‌های ریشه واحد دیکی فولر تردیدآمیز بوده و برای اطمینان کامل از غیر ساکن بودن متغیرها، ضروری است که از آزمون فیلیپس پرون استفاده شود.

بررسی پایایی متغیرهای تحقیق با آزمون ریشه واحد در سطح

آزمون فیلیپس پرون برای متغیرهای تحقیق در سطح، با در نظر گرفتن عرض از مبدا و روند توسط نرم افزار Eviews انجام گردیده است. جهت انجام آزمون، مقدار آماره بدست آمده را با مقادیر بحرانی در سطح 5٪ مقایسه می‌نماییم، در صورتی که قدر مطلق آماره محاسبه شده، از مقدار بحرانی بزرگ‌تر باشد، فرضیه مبنی بر وجود ریشه واحد، رد شده و سری مورد نظر پایا خواهد بود. در جدول 2، خلاصه نتایج محاسبات انجام شده آزمون فیلیپس پرون در سطح داده‌ها ارائه شده است.

جدول 2: نتایج بررسی پایایی متغیرها، با استفاده از آزمون فیلیپس پرون در سطح

وضعیت پایایی	سطح احتمال	مقادیر بحرانی در سطح اطمینان			متغیر
		10 درصد	5 درصد	1 درصد	
ناپایا	0.16	-3.22	-3.57	-4.30	GINI
ناپایا	0.94	-2.62	-2.96	-3.67	GDP
ناپایا	0.99	-2.62	-2.96	-3.67	M2
ناپایا	0.35	-3.22	-3.57	-4.30	GH

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

جدول فوق بیانگر آن است که، کلیه متغیرها در سطح پایا نمی‌باشد. برای تعیین درجه انباشتگی متغیرها، به ناچار باید، آزمون فیلیپس پرون را در تفاضل مرتبه اول با استفاده از نرم‌افزار Eviews انجام داد. نتایج آزمون فیلیپس پرون برای تفاضل مرتبه اول متغیرها مطابق با جدول 3 می‌باشد.

جدول 3: نتایج بررسی پایای متغیرها با استفاده از آزمون فیلیپس پرون با تفاضل مرتبه اول

وضعیت پایایی	سطح احتمال	مقادیر بحرانی در سطح اطمینان			متغیر
		10 درصد	5 درصد	1 درصد	
پایا	0.00	-3.22	-3.58	-4.32	GINI
پایا	0.03	-2.62	-2.97	-3.68	GDP
پایا	0.01	-2.62	-2.97	-3.68	M2
پایا	0.00	-3.22	-3.58	-4.32	GH

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

جدول فوق بیانگر آن است که، برای پایا شدن متغیرهای تحقیق، می‌بایست از تفاضل‌گیری استفاده نمود.

بررسی هم‌انباشتگی (هم جمع بودن) متغیرها

در بخش قبلی دیده شد که هیچ یک از متغیرهای ما در سطح پایا نمی‌باشند. لذا، جهت جلوگیری از رگرسیون کاذب بایستی، ابتدا متغیرها را تبدیل به متغیرهای پایا نموده و سپس مدل مورد نظر را برآورد نمود. یعنی به جای اینکه از مقادیر متغیرها استفاده شود، از تفاضل داده‌ها (با توجه به درجه مانایی حساب شده در بخش قبلی) استفاده خواهد شد. اما این امر، باعث از دست دادن اطلاعات مربوط به مقادیر اصلی متغیرها می‌شود. برای حفظ این اطلاعات ارزشمند، راه دیگری مطرح شده است که با استفاده از آن، هم بتوان از مقادیر اصلی متغیرها استفاده نمود و هم بتوان مانع از رگرسیون کاذب شد. این روش موسوم به هم‌انباشتگی است. به مجموعه‌ای از متغیرها هم‌انباشته می‌گویند که ترکیب خطی از آنها مانا باشد. در واقع، بسیاری از سری‌های زمانی، نامانا هستند، اما در طول زمان با هم حرکت می‌کنند که این بیانگر آن است که آنها در بلند مدت، توسط یک رابطه محدود شده‌اند. بنابراین، رابطه هم‌انباشتگی می‌تواند بیانگر رابطه بلند مدت یا یک پدیده تعادلی بلند مدت بین سری‌های زمانی باشد که در کوتاه

مدت ممکن است آنها از این رابطه تعادلی منحرف شوند ولی مجدداً به آن بر می‌گردند (سوری، ۱۳۹۱، ص ۲۹۵). بنابراین در صورت هم جمع بودن متغیرها، نیاز به این نمی باشد که از متغیرهای ناپایا، در سطح تفاضل‌گیری نمود .

چندین روش برای بررسی هم انباشتگی وجود دارد که در این تحقیق، از آزمون هم انباشتگی یوهانسن برای آزمون هم‌انباشتگی استفاده شده است. فرضیه صفر و فرضیه مخالف در آزمون انباشتگی یوهانسون به صورت زیر می‌باشد.

H0 : متغیرهای تحقیق هم انباشته نمی باشند.

H1 : متغیرهای تحقیق هم انباشته‌اند.

محاسبات آزمون هم انباشتگی یوهانسن، برای متغیرهای تحقیق، توسط نرم افزار Eviews انجام شد. جهت انجام این آزمون، مقدار آماره بدست آمده، با مقادیر بحرانی در سطح ۵٪ مقایسه شد، نتایج آزمون هم‌انباشتگی برای متغیرهای تحقیق، مطابق با جدول ۴ می‌باشد.

جدول ۴ : نتایج بررسی آزمون هم انباشتگی

Unrestricted Cointegration Rank Test (Trace)				
	0.05	Trace		Hypothesized
Prob.**	Critical Value	Statistic	Eigenvalue	No. of CE(s)
0.0000	47.85613	131.5551	0.950552	None *
0.0000	29.79707	56.38439	0.787931	At most 1 *
0.0236	15.49471	17.61330	0.469634	At most 2 *
0.1848	3.841466	1.758622	0.067928	At most 3
Trace test indicates 3 cointegrating eqn(s) at the 0.05 level				
* denotes rejection of the hypothesis at the 0.05 level				
**MacKinnon-Haug-Michelis (1999) p-values				

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

با توجه به مشاهدات جدول فوق، وجود ۳ بردار هم انباشته میان متغیرهای الگو تایید می شود.

تکنیک رویکرد خود بازگشتی با وقفه های توزیعی (ARDL)

با توجه به تردیدی که در مدل سازی اقتصادی نسبت به کارایی آزمون های ریشه واحد در تشخیص پایداری و ناپایداری متغیرهای اقتصادی وجود دارد، از تکنیک خود بازگشتی با وقفه های توزیعی در اقتصاد سنجی استفاده می‌شود. در این روش، تنها با تعیین وقفه های مناسب برای متغیرها، می توان الگو های مناسب را برآورد نمود.

لازم به یادآوری است که در روش خودبازگشت با وقفه‌های توزیعی، توجه به درجه تجمعی متغیرهای توضیحی چندان مهم نبوده و تنها با تعیین وقفه‌های مناسب برای متغیرها می‌توان الگوی مناسب را مورد بررسی و برآورد قرار داد. همچنین استفاده از روش

OLS در برآورد رابطه بلندمدت، به دلیل در نظر نگرفتن واکنش‌های پویای کوتاه‌مدت موجود بین متغیرها، لزوماً برآورد بدون تورش را ارائه نخواهد کرد. از این رو، منطقی به نظر می‌رسد؛ در چنین مواردی الگوهایی مورد توجه قرار گیرد که پویایی‌های کوتاه‌مدت را در خود داشته باشند و در نتیجه، موجب شوند تا ضرایب الگو با دقت بیشتری برآورد شوند. روش ARDL الگویی پویاست که این امکان را فراهم می‌آورد تا علاوه بر آزمون همجمعی بین متغیرها، ضرایب بلندمدت مدل را با دقت مناسب برآورد کرد، بدون اینکه به جزئیات این روش پرداخته شود. فرم کلی مدل به صورت زیر است:

$$y_t = A(L)y_{t-1} + C(L)z_t + B(L)\varepsilon_t$$

$$A(L) = \sum_{i=0}^n a_i L^i$$

$$B(L) = \sum_{i=0}^m b_i L^i$$

$$C(L) = \sum_{i=0}^j c_i L^i$$

آزمون تکنیک رویکرد خود بازگشتی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) برای متغیر وابسته **gini**

پس از مشخص شدن وقفه بهینه (در این تحقیق با توجه به آماره شوارتز بیزین از وقفه دو استفاده شده است) برای معادله رگرسیون شاخص ضریب جینی از مدل ARDL تخمین صورت می‌پذیرد و با توجه به نتایج آن، بهترین مدل برآورد شده توسط نرم‌افزار برای معادله رگرسیون، بدین صورت در جدول 5 نمایش داده شده است.

جدول 5: نتایج بررسی آزمون $ARDL(0.2.1.0)$ متغیر وابسته GINI

Autoregressive Distributed Lag Estimates			
ARDL(0,2,1,0) selected based on Schwarz Bayesian Criterion			
Dependent variable is GINI			
28 observations used for estimation from 1365 to 1392			
Regressor	Coefficient	Standard Error	T-Ratio[Prob]
GDP	.1239E-6	.8239E-7	1.5032[.148]
GDP(-1)	-.3610E-6	.1351E-6	-2.6729[.014]
GDP(-2)	-.2929E-6	.9695E-7	-3.0208[.007]
M2	.3238E-7	.2275E-7	1.4234[.169]
M2(-1)	.6218E-7	.2667E-7	2.3316[.030]
GH	-.9827E-7	.9211E-7	-1.0670[.298]
INC	.39009	.0064740	60.2550[.000]
R-Squared	.65150	R-Bar-Squared	.55193
S.E. of Regression	.0067806	F-stat. F(6, 21)	6.5430[.001]
Mean of Dependent Variable	.39755	S.D. of Dependent Variable	.010130
Residual Sum of Squares	.9655E-3	Equation Log-likelihood	104.1205
Akaike Info. Criterion	97.1205	Schwarz Bayesian Criterion	92.4577
DW-statistic	1.7193		

(ماخذ: محاسبات تحقیق)

مطابق با نتایج حاصله از تحقیق، تاثیر اعتبارات اعطایی قرض الحسنه بر روی شاخص ضریب جینی، منفی بوده البته این تاثیر گذاری در سطح اطمینان 95 درصد، از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد.

در توضیح و تفسیر نتایج جدول فوق، می توان اینگونه بیان نمود که، با افزایش توزیع اعتبارات قرض الحسنه در کشور، از یک سو، به دلیل انتقال توان مالی اقشار توانمند به اقشار ناتوان و بالا رفتن توان مالی ایشان و از سوی دیگر، به دلیل کاهش توان مالی اقشار توانمند جامعه، طبیعتاً به سمت کاهش اختلاف طبقاتی بین دهکهای پائین و بالای درآمدی در کشور حرکت می نماییم و این امر، به معنای کاهش فقر در جامعه بوده و در واقع تاثیر مستقیم بر ضریب جینی گذارده و آن را به رقم صفر نزدیکتر می نماید. به این ترتیب مقصود ما از اعطای اعتبارات قرض الحسنه به نیازمندان اجتماع، که همانا کاهش فقر در جامعه می باشد برآورده می گردد.

همچنین، تاثیرات این گونه اعتبارات را بر میزان مصرف و افزایش فعالیت های اقتصادی که منجر به رونق چرخه اقتصادی جامعه، از طریق ایجاد اشتغال و افزایش تولید و تغییرات مثبت در قانون عرضه و تقاضا می باشد، نمی توان نادیده گرفت.

و در خصوص تاثیر نقدینگی بر ضریب جینی، می توان چنین اذعان داشت که، اعتبارات قرض الحسنه به شکل وجوه نقد وارد چرخه پولی و مالی کشور گردیده و بنابراین، منجر به افزایش نقدینگی در اقتصاد جامعه می گردند. همانگونه که می دانیم، یکی از بارزترین جنبه های افزایش حجم نقدینگی در اقتصاد جامعه، بروز مازاد قدرت خرید و افزایش تقاضا و نتیجتاً ایجاد تورم و گرانی خواهد بود. پر واضح است که این تورم موجب کاهش قدرت خرید اقشار نیازمند گردیده و بنا بر این گرانی قیمتها و درآمد بالا، که با ارزانی قیمتها و درآمد پائین اقشار کم درآمد یکسان است، منجر به تاثیر بر ضریب جینی گردیده و آن را به عدد 1

نزدیکتر ساخته و این بیانگر تاثیر منفی افزایش اعتبارات قرض الحسنه در قالب نقدینگی، بر کاهش فقر بوده و فقر را در جامعه افزایش می دهد. ناگفته نماند، چنانچه این افزایش اعطای اعتبارات قرض الحسنه به نیازمندان، از حالت مصرفی صرف خارج گردیده و در قالب پس انداز و سرمایه گذاری در امور تولیدی و ایجاد اشتغال و افزایش فعالیت های مفید اقتصادی استفاده شوند، این تاثیر منفی آنها از طریق ترمیم و تسهیل در سازو کارهای مثبت اقتصادی، بر ضریب جینی، به تاثیری مثبت مبدل و به اصلاح آن منجر خواهد گردید.

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می گردد، تولید ناخالص داخلی (GDP)، با تاثیر مثبت از لحاظ کیفی یعنی تاثیری بهبود بخشنده بر ضریب جینی، نمایان گردیده است. در توجیه این تاثیر مثبت می توان به دو دسته از عوامل تاثیر گذار مرتبط با تولید ناخالص داخلی بر ضریب جینی اشاره نمود. یکی عواملی که قبل از افزایش تولید ناخالص داخلی، به هر دلیلی، مهیا گردیده اند تا تولید ناخالص داخلی را افزایش دهند و بنابراین، در میان این عوامل برخی دارای خصوصیتی بوده اند که زمینه ای مساعد برای کاهش فقر را فراهم آورده اند. از جمله این عوامل را می توان در افزایش توان مالی و تولیدی سرمایه گذاران، افزایش آموزش و تکنولوژی در جامعه و در میان اقشار دست اندر کار فعالیتهای تولیدی، بهبود در خدمات رسانی فعالان خدماتی، افزایش فعالیت اقشار جوان در مرحله تولید علم و تولید محصول، کاسته شدن از بیکاری و افزایش اشتغال، اعطای وامهای بدون بهره و کم بهره به سرمایه گذاران و تولیدکنندگان و عوامل تاثیر گذار متعدد دیگر از این قبیل دانست و در مرحله دوم، عوامل بعد از افزایش تولید ناخالص داخلی را می توان برشمرد که تاثیری مثبت بر کاهش فقر و میل نمودن ضریب جینی به سمت رقم صفر را منجر گردیده اند، از قبیل بالا رفتن پس انداز ملی، کاهش کسری تراز پرداختها در اثر افزایش صادرات کالاهای تولید داخل و کاهش واردات کالاهای خارجی، افزایش درآمد نیروهای انسانی با افزایش و رونق اقتصادی، افزایش سرمایه گذاری در فعالیتهای تولیدی که ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی را باعث می گردند، افزایش اعتبار اقتصادی در مجامع جهانی و بهبود وجهه بین المللی کشور و افزایش تمایل کشورها به مبادله با کشور و سرمایه گذاری بیشتر در کشور و عوامل متعدد موثر دیگر را در نظر گرفت.

لازم به ذکر است که، نتایج حاصل از رگرسیون، زمانی قابل اتکاست که، رگرسیون برازش شده در کل معنی دار باشد. برای معنی دار بودن رگرسیون، از آماره F استفاده می شود. در قسمت پایین جدول، مقدار F، با F-Statistic مشخص شده است. در این آزمون، مقدار این آماره $F = 6.54$ می باشد. همچنین در زیر تابع F، سطح معنی دار بودن F (معنی دار بودن معادله رگرسیون) ارائه شده که در اینجا 0.00 می باشد. به طور کلی، اگر این احتمال از 0/05 کمتر باشد، بدین معنی است که معادله رگرسیون معنادار است. همچنین در این قسمت جدول، ضریب (R^2) یا R-Squared هم مشخص شده است که در این آزمون مقدار آن 65 درصد است.

نتیجه تخمین بلند مدت :

بعد از تخمین کوتاه مدت الگوی شاخص ضریب جینی، در این قسمت، به بررسی رابطه بلند مدت متغیرهای تاثیر گذار بر شاخص ضریب جینی پرداخته می شود. نتیجه حاصله در جدول زیر، حاکی از تاثیر بلند مدت متغیرهای اعتبارات اعطایی قرض الحسنه، تولید ناخالص داخلی و حجم نقدینگی بر شاخص ضریب جینی در ایران می باشد.

در این تحقیق اثر تسهیلات قرض الحسنه بر شاخص ضریب جینی در ایران مورد سنجش قرار گرفته است ، با عنایت به نتیجه به دست آمده از این تحقیق مبنی بر تاثیر مثبت افزایش واگذاری اعتبارات قرض الحسنه بر ضریب جینی و کاهش فقر، پیشنهاد می گردد محققین آتی به تاثیر گذاری این تسهیلات بر شاخص های کلان اقتصادی دیگر مانند نرخ تورم و رشد اقتصادی در ایران بپردازند.

همچنین با عنایت به اینکه واگذاری اعتبارات قرض الحسنه به نیازمندان به صورت وجوه نقد بیشترین گرایش را به مخارج مصرفی روزمره و تهیه وسایل غیر سرمایه ای و مصرفی کوتاه مدت یا نیمه بلند مدت و استهلاک پذیر مانند یخچال، تلویزیون، اتومبیل، فرش، رایانه و امثال اینها می گردد، این نیازها شناسایی و به منظور کاهش اثر توری ناشی از واگذاری وجوه نقد به متقاضیان نیازمند، طی فرایندی کنترل شده و نظارت شده این گونه کالاها از طریق موسسات خاص و حمایت شده با قیمتی مناسب تهیه و در اختیار نیازمندان قرار گیرد.

از یک با توجه به اینکه بانکهای موجود فعلی که متولی تجهیز و تخصیص اعتبارات قرض الحسنه گردیده اند با توجه به ماهیت فعالیتشان که فعالیت سودجویانه است به طور ناخواسته اعتبارات قرض الحسنه را به مسیرهایی که منتج به کسب سود شخصی گردد هدایت نموده و در این میان حق نیازمندان واقعی که بایستی نهایت بهره را از این گونه اعتبارات ببرند تضییع می گردد و از سوی موسسات و صندوقهای دریافت کننده و اعطا کننده اعتبارات قرض الحسنه به دلیل عدم اشراف کامل بر عملیات مالی و حسابداری و قوانین مربوطه آن گونه که از عهده بانک ها بر می آید و تنها با اتکاء به تجربیات و سوابق حاصله طی چندین سال فعالیت در این زمینه، نمی توانند آنطور که لازمه عملیات تجهیز و تخصیص این منابع است، فعالیت و عمل نمایند و این فقدان اطلاعات علمی و فنی خاص، منجر به عدم کارآیی و ثمر بخشی اعتبارات قرض الحسنه در رفع نیاز نیازمندان واقعی می گردد. بنابراین پیشنهاد تجمیع این صندوق های متفرقه و موسسات با فعالیت های واگذار شده به بانک ها و تشکیل و حمایت از بانکهای خاص و ویژه قرض الحسنه که تمام اهتمامشان عملیات مرتبط با اعتبارات قرض الحسنه و امور مربوط به آن باشد ضروری و لازم الاجراست، خصوصا این که این بانکها به دلیل مختص قرض الحسنه بودنشان، قادر به بکارگیری و استفاده از این اعتبارات در شکل های مختلف و مفید اقتصادی از قبیل سرمایه گذاری در امور تولیدی و تجاری و مشارکت در پروژه های بزرگ اقتصادی به منظور افزایش سود بوده و به صرف این که سود حاصله را در رفع نیاز متقاضیان نیازمند به وامهای قرض الحسنه به کار می گیرند هیچگونه منع شرعی برای ایشان در انجام این گونه عملیات و فعالیت های اقتصادی که برای سایر بانکها متصور است وجود نخواهد داشت.

با توجه به نتیجه تخمین مدل و اثر مثبت اعطای تسهیلات قرض الحسنه بر کاهش فقر ، پیشنهاد ما به دولت اسلامی این است که اسباب و لوازم توزیع عادلانه درآمد را با کمک گیری از راهکارهای مناسب اسلامی و شرعی و با الهام از دستورات اسلام و شرع مقدس، هر چه بیشتر فراهم نماید و عزم خود را در گسترش عدالت اجتماعی بدون هیچگونه مصلحت اندیشی و به طور جزم نماید و قرض الحسنه را که به عنوان یک رکن در جامعه اقتصادی اسلامی مورد تاکید قرآن عظیم الشان و پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) مطرح گردیده است را تنها ابزار برای ایجاد عدالت در جامعه اسلامی بر نشمارد و در نظر داشته باشد که رسالت قرض الحسنه ایجاد عدالت در جامعه نیست، بلکه سنت نیکوی قرض الحسنه زمانی معنای حقیقی و مورد نظر اسلام را خواهد یافت که، پس از اجرای عدالت و احقاق حقوق ضعیفان و نیازمندان و توزیع مناسب درآمدها، توان و استطاعت عده ای قلیل چنان ضعیف باشد که تلاش و کوششان نتواند تکافوی نیازهای اولیه ایشان را بنماید تا بتوانند با افراد جامعه و برای بهره مندی از یک زندگی متوسط و برخوردار از یک رفاه نسبی برابری نمایند.

منابع و مأخذ :

الف. فارسی

- 1-بختیاری ،صادق.1384،"مفاهیم،تعاریف و سابقه اعتبارات خرد با نگاهی به عملکرد بانک کشاورزی".مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد،توسعه روستایی و فقر زدایی.تهران
- 2-جمشیدی،سعید،1390 ، بانکداری اسلامی ، اصول و قواعد سپرده ها ، تسهیلات اعطایی و ابزارهای مشتقه تامین مالی ، انتشارات گپ ، _ گروه علوم بانکی، چاپ اول .
- 3-جمشیدی ،سعید،1390 ،شیوه های اعتبار سنجی مشتریان،چاپ ششم ، تهران ، پژوهشکده پولی و بانکی - بانک مرکزی ج .ا .ا ،چاپ ششم
- 4-سعدی،حشمت الله،عرب مازار،عباس.آذر1384، نقش اعتبارات خرد در توانمند سازی زنان روستایی.تجربه بانک کشاورزی.مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد،توسعه روستایی و فقر زدایی.تهران
- 5-سیامک،گورنگ بهشتی،1385،عملکرد نظام بانکی و قانون عملیات بانکداری بدون ربا،بانک اقتصاد
- 6-سوری علی 1392، اقتصاد سنجی پیشرفته جلد دوم
- 7-طرح ارزیابی توزیع ماشینی تسهیلات خود اشتغالی.1384،وزارت تعاون،کار و رفاه اجتماعی، صندوق حمایت از فرصت های شغلی.
- 8-فحف،منذر،1384، نقش اقتصادی دولت در اسلام،درس هایی در اقتصاد اسلامی،ترجمه محمد تقی گیلک حکیم آبادی،چاپ اول:دانشگاه مفید قم.
- 9-مسعودی ، علیرضا ، 1390 ، حقوق بانکی،انتشارات پیشبرد،چاپ پنجم .
- 10-معظمی،میترا،رحیمی،عباس.طائفه حیدری،اعظم.آذر1384،بررسی پوشش و پایداری برنامه های اعتبار خرد (مطالعه موردی- صندوق اعتبار خرد،برای زنان روستایی)مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد،توسعه روستایی و فقر زدایی.تهران.
- 11-محقق نیا،محمد جواد،1388، ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگو برای ایران(رساله دکتری)،تهران،دانشگاه علامه طباطبایی.
- 12-موسویان ، سید عباس، 1384 ، ارزیابی قراردادهای و شیوه های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا ، فصلنامه اقتصاد اسلامی ، سال پنجم ، شماره 19 .
- 13-هدایتی ،سید علی اصغر ،سفری علی اصغر،کلهر حسن ، بهمنی محمود ، 1386 ، عملیات بانکی داخلی (تخصیص منابع) ، موسسه عالی بانکداری - بانک مرکزی ج.ا.ا ، چاپ چهاردهم .

ب. انگلیسی

- 1) Asian Development Bank, Finance for the Poor: Microfinance development Strategy, ADB, 2000
- 2) Chong, B.S., Liu, M.H., Shretha, K., 2005. Monetary transmission via
- 3) The administered interest rates channel. Jornal of Banking and Finance , forthcoming.
- 4) Dar, H.A., Presley, J.R., 2000., Lack of profit loss sharing in5. 5Islamic banking: Management and control imbalances. International Journal of Islamic Financial Services 2, NO. 2
- 5) Gomez. R and Santor. E, "Do peer group members out perform individual borrowers? A test of peer group lending using Canadian Microcredit data", working paper, 2003
- 6) Habib , A. (2002) "Financing Microenterprises: An Analytical Study Of Islamic Microfinance Institution", Islamic Economic Studies, 9(2),pp. 62-27
- 7) Kahf, M. (2006) "Role of Zakat and Awqaf in Reducing Poverty.a Case FOR Zakat-Awqaf –Based Institutilnal Setting of Microfinance", Paper for Coonference on Poverty Reduction in the Muslim Countries.
- 8) Lavoice. M, "Women and Microcredit in Vietnam", Anthropology department, Laval university, June, 2002
- 9) Mabid Ali Al-Jarhi, "The case for Universal banking as a component of Islamic banking", (2003), p.7
- 10) Maclsaac. N, The role of Microcredit in Poverty Reduction and promoting Gender Equity, South Asia Partnership Canada, June 12, .1997
- 11) Schreiner. M, A Framework for the discussion of the social Benefits of Mircofinance, Center for social development Washington University, June.2010
- 12) Toghyani, M. (2006) "Microfinance in Iran and the Ways to Expand it", M.A. Thesis, Imam Sadiq University
- 13) Weiss. J, Montgomery. H and Kurmanalieva. E, "MicroFinance and poverty Reduction in Asia: What is the Evidence?", ADB Institute, Research paper series. No.53, 2003



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



کارگاه آموزشی
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



کارگاه آموزشی
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



کارگاه آموزشی
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران